

رابطه اخلاق و سیاست از دیدگاه امام خمینی(ره)

چکیده

این پژوهش بر آن است تا به روش تفسیری به این پرسش پاسخ دهد که آیا امام خمینی توانست سازمان جدیدی در اخلاق و سیاست ایجاد نماید و موفق به ایجاد تغییراتی در نظم موجود آن گردید یا خیر؟ با توجه همزمان به قصد و غایت امام خمینی و شرایط اجتماعی و اخلاقی موجود در زمان زندگانی وی، دو مفهوم اخلاق و سیاست در اندیشه وی مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل آمد که با توجه به اعتقاد امام مبنی بر جامعیت اسلام در عرصه های سیاسی و غیرسیاسی، نظریه پردازی در خصوص تشکیل حکومت، اولویت نقش مردم در تغییرات سیاسی و استفاده از سیاست و ارائه راههای سیاسی در کنار شیوه های اخلاقی در بهبود اوضاع، وی موفق به ایجاد تغییرات اساسی در مناسبات اخلاق و سیاست گشته است.

واژه های کلیدی: اخلاق، سیاست، عدالت، سعادت، امام خمینی.

زهرا هاشمی

طلبه سطح دو

Zahrahashmi۷۶۶۲@gmail.com

اهمیت سیاست و اخلاق و نقش آنها در زندگی آدمی، انجام پژوهش در این زمینه و روشن شدن بیشتر این مفاهیم را ضروری می سازد به ویژه از آن روی که روشن شدن تعاملات اخلاق و سیاست، تکلیف بسیاری دیگر از مقولات مهم و مسأله برانگیز را که زیرمجموعه این دو به شمار می روند روشن خواهد ساخت. برای مثال، ایضاح مفهومی مباحثی مانند عدالت، آزادی، مدارا، سعادت و امثال آنها در گرو تعیین ارتباط درست این دو مفهوم فربه در حوزه اندیشه است. اگر در عرصه اجتماع تنها به ابعاد سیاسی قضایا توجه شود و جایگاه اخلاق به درستی معین نگردد، بحث از مفاهیمی مانند عدالت اجتماعی نیز جایگاه و کارکرد صحیح خود را باز نخواهد یافت و اساساً مباحثی مانند عدالت که در اخلاق و سیاست جداگانه مورد بحث هستند، سرانجام مشخصی برای تحقق در جامعه نخواهند یافت و یا مشخص نمی گردد که مقوله ای مانند آزادی که گاه با عنوان حق از آن یاد می شود و گاه نیز به عنوان تکلیف دولت ها به حساب می آید، با چه عنوانی محقق گردد. آیا اخلاق مقدم است یا آزادی؟ مثالهایی از این قبیل فراوانند. سیر بسیاری از روندهای اداری و اجتماعی نیز در گرو معین گردیدن این ارتباط است. برای مثال این مسأله در چگونگی تدوین قوانین از سوی قانونگذاران تأثیر مهمی خواهد نهاد (کیخا، ۱۳۸۶).

با شناخت چگونگی ارتباط اخلاق و سیاست در هر شرایط و روند تاریخی، می توان دریافت که چه عواملی در این ارتباط مؤثرند و چگونه این دو موارد مختلف بر یکدیگر تأثیر گذارده و با یکدیگر تعامل می کنند که وضعیت جامعه در آن شرایط متفاوت و متمایز از وضعیت دیگر می شود. این مسأله را می توان در زمانه و شرایط فعلی نیز پی گرفت و آثار و پیامدهای احتمالی آن را دریافت و در جهت تحقق درست مفاهیم ارزشی در حوزه عمومی، سیاست گذاری و برنامه ریزی نمود. با این قصد و هدف، تعامل اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی مورد بررسی قرار گرفت (کیخا، ۱۳۸۶).

پرسشی که قصد پرداختن بدان را داریم این است که آیا امام خمینی توانست سازمان جدیدی در اخلاق و سیاست ایجاد نماید و موفق به ایجاد تغییراتی در نظم موجود آن گردد؟ و اگر توانسته به چه طریقی این کار را انجام داده است؟

روش برگزیده شده در این پژوهش، روش تفسیری است که مبتنی بر هرمنوتیک قصد است در کنار این مسأله به نقش تحولات اجتماعی و فکری موجود در اخلاق و سیاست نیز توجه خواهد گردید. چنین ترکیبی به نحوی مطلوب در روش های به کار برده شده توسط کوئنتین اسکینر قابل مشاهده است که برای سهولت و انسجام کار از آن بهره برده شده است. ۱. بر این اساس در کنار پرسش اصلی، به مباحثی مانند زمینه های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فکری موجود در زمان امام خمینی و قصد و غایت وی از پرداختن به بحث

اخلاق و سیاست اشاره خواهد گردید. بر اساس مقدمه فوق، در پژوهش حاضر اندیشه های اخلاقی و سیاسی امام خمینی مورد توجه قرار می گیرد و در کنار آن به عوامل محیطی و فکری در ارائه اندیشه امام و ایجاد تحول در اندیشه وی اشاره می شود.

اخلاق

آثار اخلاقی امام خمینی، عمدتاً پیش از آغاز مبارزات گسترده سیاسی وی تألیف شده اند. اگر کشف اسرار را اولین اثری بدانیم که امام در واکنش به شرایط زمان در سال ۱۳۲۲ تألیف نموده است، کتاب شرح دعای سحر وی در سال ۱۳۰۷ و چهل حدیث در ۱۳۱۸ تألیف شده اند. کتاب آداب الصلاة نیز در ۱۳۲۱ نگاشته شده است. پس از این دوره ها، مبارزات سیاسی امام آغاز می شود. مباحث فقه حکومتی امام و به طور خاص بحث ولایت فقیه زمانی نگاشته شد که امام به دلیل مخالفت با برنامه های شاه در تبعید به سر می برد. نکته ای که در این سال ها در تألیفات امام و سخنرانی های او مورد تأکید زیاد قرار می گرفت نشان دادن این مطلب بود که اسلام منحصر به عبادات و اخلاقیات نیست، بلکه تمامی احکام آن سیاسی و دارای مضمون اجتماعی است. از این رو امام در سال های مبارزه با دولت شاهنشاهی می کوشد تا نوعی اخلاق سیاسی را به نمایش بگذارد. این قضیه به دلیل مشی حکومتی شاه و شرایط موجود در ایران به ویژه پس از قضایای انقلاب سفید و لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و بی احترامی نسبت به برخی موازین اسلامی صورت گرفت (لک زایی، ۱۳۸۳).

عمده آثار اخلاقی امام عبارتند از: شرح چهل حدیث، شرح حدیث جنود عقل و جهل، جهاد اکبر و مبارزه با نفس. برخی از مطالب اخلاقی نیز به طور پراکنده در آثاری مانند اسرار الصلاة، آداب الصلاة و تقریرات فلسفی آمده است. برخی مبانی مورد پذیرش امام، در این کتب که اثر مستقیمی بر تفکر اخلاقی او داشته است. از این قرارند: (لک زایی، ۱۳۸۳)

یکم. دو بعدی بودن انسان: دوگانگی وجود انسان از مباحثی است که در ابتدای کتاب چهل حدیث مطرح شده است. امام به طریق پیشینیان خود انسان را دارای دو نشئه می داند: نشئه ظاهره دنیویه که بدن او است و نشئه باطنه غیبیه ملکوتیه که از عالم دیگر است.

دوم. مقامات سه گانه نفس انسانی: نفس انسان دارای مراتب و درجاتی است و هر درجه، جنودی رحمانی یا شیطانی دارد که همیشه میان آنها نزاع و جدال است. این جنود می توانند از جنود شیطانی و یا جنود رحمانی باشند. آنچه مهم است حفظ توازن و تعادل در کاربرد این قوا است تا یکی از آنها بر انسان غالب نیایند. تعادل فوق تحت قوانین عقل و شرع حاصل می شود. سبب بعثت پیامبران نیز همین شمرده شده است تا انسانها تسلیم جنود شیطان نگردند. از جمله پیشنهادهای امام در این مرحله ضبط خیال و

جلوگیری از غلبه خیالات فاسد است. راه دیگر، موازنه میان قوا و خوب و بد کردن آنها است. مقام سوم نفس مقام عقل است که امام در چهل حدیث اشاره زیادی به آن کرده است (لک زایی، ۱۳۸۳).

سوم. قابلیت انعطاف و تغییر پذیر بودن انسان: شرط لازم برای ایجاد هر گونه دگرگونی در خلیات انسان این است که تحول پذیری روح انسان در این دنیا پذیرفته شود. امام به کرات این نکته را یادآور شده است که انسان مادامی که در این دنیا است و به ویژه اگر در ایام جوانی به سر می برد، راحت تر می تواند اخلاق خود را اصلاح نماید. اصل اختیار و اراده آدمی نیز چنین امری را اقتضا می کند، در غیر این صورت بحث از ارسال پیامبران، اصلاح اخلاق و کیفر و پاداش انسان بی فایده بود. امام در این مورد می نویسد:

«جميع ملكات و اخلاق نفسانيه، تا نفس در این عالم حرکت و تغییر است و در تحت تصرف زمان و تجدد واقع است و دارای هیولی و قوه است، قابل تغییر است و انسان می تواند جميع اخلاق خود را متبدل به مقابلات آنها کند.» (لک زایی، ۱۳۸۰).

چهارم. ابتدای اخلاق بر دین: دستیابی به معرفت الهی و فهم اسرار شریعت و علم باطنی با رعایت ظاهر شریعت. عمل به دستورات شرع و تأسی به سنت رسول الله حاصل می شود. جهاد اکبر نیز غلبه انسان بر قوای ظاهری و بیرون راندن جنود شیطان از تن است. ۳ امام در جایی اظهار می دارد که:

«تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچیک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود.»

پنجم. سعادت: فهم سعادت و عوامل مؤثر در آن در اندیشه امام خمینی، کلید فهم بسیاری از مباحث اخلاقی و اجتماعی وی و راه دریافت فهم ارتباط اخلاق و سیاست در اندیشه او است. امام، سعادت را دریافتن لذت و امور ملایم می داند از این رو ملاک آن یافتن و دریافت ملایمات است. با این حال درک سعادت در مورد انسان کمی دشوارتر است؛ نخست به دلیل پیچیدگی وجود انسانی از این جهت که صاحب قوا و مراتب گوناگون است و باید سعادت تمامی قوا را به دست آورد و سپس به دلیل محدود نبودن حیات انسان به این دنیا و در نظر گرفتن سعادت با تصور وجود دنیای دیگری برای انسان (لک زایی، ۱۳۸۰).

سعادت با تزکیه مراتب سه گانه انسان یعنی قوای جسمانی، خیال و باطن و قوه عاقله به دست می آید. این قوا بایستی با عمل به قوانین الهی به صورت قوای انسانی درآید. برای رسیدن به سعادت، تعدیل و تقویت عقل عملی و نظری لازم است. عقل نظری باید به مقام فعلیت درآید و حقایق عالم را آن چنان که هست و نظام وجود را به آن نحوی که مبدأ و معاد است درک کند. عقل عملی نیز باید انسان را به عمل صالح و تصفیه قوای جسمانی رهنمون شود. برای تعدیل قوای جسمانی وجود عدالت ضروری است. بنابراین از نظر

امام در کنار لزوم دارا بودن عقاید صحیح، اخلاق و هر عملی که انسان را در زندگی فردی و اجتماعی او به سعادت نزدیک سازد، از لوازم سعادت محسوب می گردد (لک زایی، ۱۳۸۰).

ششم. معیار بودن عدالت در اخلاق: عدالت غایت اخلاق شمرده می شود؛ زیرا به معنای صحت و درستی تمامی قوا می باشد. امام عدالت را عبارت از تمام فضایل می داند، نه جزئی از آن و عدالت را حد وسط بین افراط و تفریط و غلو و تقصیر و یا تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه و روحیه و نفسیه تعریف می کند. از نظر امام عدالت همان صراط مستقیم است و در این مورد می نویسد:

«... طریق سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عز ربوبیت، عدالت است که خط مستقیم و سیر معتدل است و اشارات بسیاری در کتاب و سنت بدین معنی است چنانچه صراط مستقیم، که انسان در نماز طالب آن است، همین سیر اعتدالی است... و اعتدال حقیقی جز برای انسان کامل که از اول سیر تا منتهی النهایه وصول هیچ منحرف و معوج نشده است، برای کسی دیگر مقدور و میسر نیست... و چون خط مستقیم واصل بین دو نقطه، بیش از یکی نیست، از این جهت، فضیلت به قول مطلق و سیر بر طریق عدالت و بر سبیل اعتدال، بیش از یکی نیست؛ ولی رذایل را انواع بسیار بلکه غیرمتناهی است» (عبد الغنی اردبیلی، ۱۳۸۱).

از نظر امام خمینی، عدالت نه تنها خواست فطری بشر است، ۸ بلکه از جمله سنن الهی، ۹ یکی از مقاصد قرآن، ۱۰ هدف اسلام ۱۱ و هدف ارسال پیامبران ۱۲ است. از این رو است که در سعادت انسان تأثیری غیرقابل انکار دارد.

هفتم. تقدم اخلاق شخصی و فردی بر اخلاق جمعی و توجه به بعد اجتماعی اخلاق: آنچه در کتاب چهل حدیث امام و کتب دیگری از ایشان همچون جهاد اکبر ذکر شده است، توجه دادن خوانندگان به اصلاح احوال شخصی است. شاید این مسأله باعث این گمان شود که امام نگاهی فردی و شخصی به اخلاق داشته اند. اما دقت در این کتب و آثار بعدی امام چنین گمانی را رد می کند. نگاه امام به اخلاق، از زاویه فردی آن است؛ زیرا اخلاق به احوال درون انسان می پردازد و اصلاح جامعه نیز در گرو اخلاق صحیح رهبران و شهروندان آن است. از این منظر است که اخلاق، کارکردی اجتماعی می یابد که در آثار سیاسی و فقهی امام مطرح شده است. با وجود این در کتب اخلاقی وی نیز اشاراتی به این مطلب صورت گرفته است. برای نمونه در حدیث هفتم از کتاب چهل حدیث که به غضب اختصاص یافته است، جنبه های افراط و تفریط این صفت بحث و به این نکته اشاره شده است که قوایی مانند غضب نباید به کلی از وجود انسان پاک گردانند، بلکه باید در حد اعتدال باشند؛ چرا که فوایدی برای جامعه و حفظ وجود انسان دارند مانند: دفع موزیات و مضرات از جامعه و شخص، جهاد با دشمنان دین و حفظ جان و مال و ناموس بشر، ۱۳ رفع مفسدات نظام عائله و نظام جامعه و مدینه فاضله، سد ثغور و حدود مملکت و حفظ نظام ملت و بقای قومیت، نگهبانی از

انسانی و تربیت اخلاقی جامعه قرار دارند. امام خمینی، عمده ترین هدف در برنامه های حکومتی را، ایجاد محیط اخلاقی دانسته است (به نقل از صحیفه امام خمینی).

تاکنون به شرایط رهبر در اسلام و نقش مسئولین جامعه در زمینه بسط ارزشها اشاراتی صورت گرفته است. از دیگر نهادهای مورد تأکید امام خمینی، نهادهای تعلیم و تربیت و دانشگاهها هستند؛ بدانگونه که از نظر وی، کلید سعادت یک کشور در دستان معلم است. ۴۶ معلم ادامه دهنده راه انبیاء است و همچون آنان موظف به تربیت اخلاقی و تزکیه انسانها و به طور خلاصه رساندن انسانها به مقام انسانیت است. این مسأله نهادی مانند آموزش و پرورش را با اهمیت می سازد؛ زیرا بنا به نظر امام، تربیت فاسد و اخلاق نادرست یک دانش آموز، زمینه ساز تباهی کشور و انسانهای آن است و معلم نیز در این امر شریک خواهد بود. رسانه های گروهی، از دیگر نهادهای مرتبط با اخلاق عمومی و شاید از تأثیرگذارترین آنها باشد آنگونه که به نظر امام، چنین رسانه هایی که دارای دامنه و برد وسیعی بوده و برخی همچون رادیو و تلویزیون برای تمامی اقشار اعم از باسواد و بی سواد آن قابل استفاده است، جایگاهی همپایه مربی، معلم و دانشگاهها را به دست آورده اند. با توجه به چنین نقشی است که امام خواهان جهت گیری این رسانه ها به سوی تربیت و تهذیب اخلاقی جامعه است (کتاب مبارزه با نفس از امام خمینی، ۱۳۶۰).

نقش دانشگاه و دانشجویان، روشنفکران، حوزه های علمیه و روحانیون، هنرمندان و امثال اینها از حیث تأثیر بر اخلاق عمومی جامعه قابل توجه و بررسی است و امام نیز به جهت این تأثیرگذاری، توصیه زیادی به تهذیب و تزکیه خود این گروهها و سپس تلاش آنها به تهذیب جامعه نموده است. صداقت و راستی در خدمت به کشور، مناظره های اسلامی و بحث و تفتیش اسلامی در کار نمایندگان مجلس که وکیل تمامی مردم و به تعبیر امام، معلم اخلاق آنانند، باعث تربیت جامعه می شود. ۵۰ امام، این مکان را محلی برای بحث و ساختن اخلاق جامعه دانسته است و از آنان خواسته است در نطق های قبل از دستور خود، رعایت اخلاق کریمانه را بنمایند و در مخالفت های سیاسی و غیره از رفتار و گفتار مغایر با موازین شرع و اخلاق پرهیز نمایند؛ در غیر این صورت غاصب محل و منصب نمایندگی محسوب می گردند (لک زایی، ۱۳۸۳).

نهادهای مرتبط با سیاست خارجی و امور دیپلماتیک کشور نیز موظف به مراعات امور اخلاقی و ترویج آن می باشند. بنیانگذار جمهوری اسلامی، در سالهای ابتدایی پیروزی انقلاب توصیه زیادی به رعایت اخلاق اسلامی به ویژه از سوی انقلابیون می نمود و از این که به اسم انقلاب کارهای خلاف اخلاق یا ظالمانه صورت گیرد منع می نمود. امام صدور انقلاب را به این معنا می داند که اخلاق اسلامی، آداب اسلامی و اعمال اسلامی به گونه ای باشد که مردم به آن توجه کنند. امام در بعد سیاست خارجی و ارتباط با کشورها نیز اهداف و خط مشی هایی سازگار با اخلاق و شریعت اسلام در نظر می گیرد و هر ابزاری را برای رسیدن به اهداف مشروع و مجاز نمی داند. ظلم و تجاوز، قتل و غارت، نقض عهد و پیمان و امثال اینها ممنوع است

و ملاک و معیار در این عرصه عدالت است (امام خمینی، ۱۳۶۹). با توجه به این مبانی، ایران مدافع مظلومین است:

«... ملت ایران پیرو مکتبی است که برنامه های آن مکتب خلاصه می شود در دو کلمه لا تَظْلِمُونَ و لا تُظْلَمُونَ.»

برخی خدمات و وظایف حکومت مانند برقراری نظم و امنیت و تأمین آزادیهای اساسی و مشروع و قانونی افراد نیز در تقویت ارزشهای اخلاقی اثر گذارند. در زمینه آزادی و نقش آن در ارتباط با اخلاق، مطالب زیادی در آثار امام وجود دارد. آزادی، شرایط و زمینه پرورش اخلاق را در جامعه فراهم می آورد و اساساً پختگی فضایل اخلاقی و تحقق جامعه اخلاقی در گرو تجربه اندوختن آزادانه است. از این رو آزادی نقشی با اهمیت در پیشرفت مادی و تعالی معنوی جامعه انسانی دارد. مهمترین مصادیق آزادی در دنیای کنونی، آزادیهای سیاسی، همانند آزادی بیان، احزاب، اجتماعات، عقیده و تفکر و امثال اینها است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پذیرفته شده است. امام خمینی نقطه مقابل سعادت بشر را که سقوط و انحطاط است، نتیجه سلب آزادی از انسان و تسلیم شدن او در برابر سایر انسانها می داند. ۵۶ پرداختن به مبحث آزادی که مسأله ای بحث انگیز و در عین حال با اهمیت است نیازمند نوشتاری مستقل و مفصل است که از حوصله پژوهش حاضر خارج می باشد (امام خمینی، ۱۳۶۹).

تأثیر اخلاق بر سیاست

اخلاق بر سیاست از جهاتی متفاوت اثر می نهد. عمده ترین تأثیر آن را می توان ارائه نوعی ملاک، الگو یا روش در انجام افعال و اعمال سیاسی، اجتماعی و فردی، در گزینش ها و در انجام فرایندهای مختلف اداری و غیر آن دانست. از این رو بحث از تأثیر اخلاق بر سیاست، قرابت زیادی با مقوله عدالت می یابد؛ زیرا عدالت نیز نوعی ملاک و معیار در افعال فردی و جمعی در سطوح خرد و کلان به حساب می آید. امام خمینی برقراری عدل را به معنای رسیدن به همه آرمانهای جامعه می داند و می نویسد:

«جمهوری اسلامی، عدل اسلامی را مستقر می کند و با عدل اسلامی همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود.» (عبدالغنی اردبیلی، ۱۳۸۱).

در سطح فردی، در اندیشه امام تهذیب و تزکیه مقدم بر تمام امور دانسته شده است ۵۹ و انسان مهذب قادر به تأمین تمامی ابعاد سعادت برای کشور است. ۶۰ ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه، باید از صفت عدالت برخوردار باشد و اساسی ترین تفاوت حکومت اسلامی با سایر حکومت ها نیز در همین نکته نهفته است که حاکم اسلامی و رئیس دولت در آن مستبد و خود رأی نبوده و از هواهای نفسانی خود پیروی نمی کنند. سایر کارگزاران و مسئولین کشور نیز موظف به مراعات اخلاق و آداب اسلامی هستند. صداقت، انتقادپذیری

و ساده زیستی از جمله ویژگی هایی هستند که امام خمینی به کرات، مسئولین جامعه را به آنها دعوت نموده است. در قالب این سه توصیه، امام از کارگزاران حکومت می خواهد که اشتباهات خود را صادقانه ابراز نمایند و در صورت انجام خطا یا اشتباه آن را بیان نمایند و در صورت عدم توان در انجام وظایف خود، داوطلبانه کنار روند و بدانند چنین عملی عبادت و در زمره اعمال صالح است. ۶۳ انتقادپذیری، منبعث از مبانی اخلاقی امام خمینی است که انسان را همواره در مسیر کمال و رفع خطاهای خویش می داند. بر پایه این تفکر، هیچ کس نمی تواند ادعا نماید از خطا و اشتباه برکنار است، بلکه بایستی خود را در معرض انتقادات و پیشنهادهای سایرین قرار دهد. بر این اساس امام انتقاد را شرط اصلاح جامعه دانسته و مخالفت با آن را ناشی از عدم خودسازی انسان می داند (عبدالغنی اردبیلی، ۱۳۸۱).

تهذیب نفس و تزکیه اخلاقی نه تنها باعث ضعف و سستی در انجام امور نمی گردد، بلکه خود ایجاد قدرت می کند. این نکته که اخلاق مغایر با سیاست نیست، بلکه خود قدرت و نیرویی همپایه قدرت سیاسی دارد، بحثی با اهمیت در اندیشه امام است که نتایج جالب توجهی به دنبال داشته است. از جمله این نتایج، به دست آوردن استقلال و عزت در داخل و خارج از کشور است. برای نمونه امام در یکی از سخنرانی های خود می گوید:

«اگر همین ماه مبارک رمضان را مسلمین خودشان را به طور جمعی به ضیافت خدا وارد کرده بودند و تزکیه کرده بودند، تصفیه کرده بودند خودشان را، ممکن نبود زیر بار ظلم بروند؛ زیر بار ظلم رفتن و ظلم کردن هر دو از ناحیه عدم تزکیه است.»

بعد دیگر تأثیر اخلاق، در فرایندها و رویه هایی است که در کشور صورت می گیرد. به عبارت بهتر، اخلاق معیاری است برای فهم درستی و نادرستی ساز و کارها؛ مانند فرایند انجام انتخابات و تبلیغات کاندیدها، قانون گذاری ها، سیاست گذاریها و به طور کلی اخلاق معیاری است برای تعیین کارآمدی و مشروعیت حکومت. برای نمونه امام در باب انتخابات و تبلیغات می فرماید:

«از آقایان کاندیدها و دوستان آنها انتظار دارم که اخلاق اسلامی - انسانی را در تبلیغ برای خود و کاندیدهای خویش مراعات و از هر گونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند. ...»

نتیجه گیری

فهم تغییراتی که امام خمینی در خصوص فهم عمومی مردم و نخبگان از اخلاق و سیاست انجام داده است، نیازمند فهم دقیق تمایزات و دگرگونی های جامعه ای است که وی در آن می زیسته است. به لحاظ فکری، در طی جریان مشروطه مباحث فکری با اهمیتی مطرح گشت که نوع حکومت موجود و ساختارهای آن را به چالش طلبید و در عرصه حکومت دینی، جریان جدیدی به نام نو اندیشی دینی را پدید آورد. از لحاظ اجتماعی، مشروطیت علیرغم ناکامی در اهداف خویش، وضعیت موجود ایران را به چالش طلبید و تا حدودی نیروی مردم را وارد دگرگونی های تاریخ معاصر ایران نمود و از این حیث آغازگر تحولات بزرگتری در تاریخ ایران گردید (اسلامی، ۱۳۸۱).

در کنار عوامل داخلی فوق، تحولاتی که در عرصه بین الملل اتفاق می افتاد به جهت فناوری های روز جهان، تأثیرات غیرقابل انکاری بر تمامی کشورها بر جای می نهاد به گونه ای که بر حاکمیت کشورها و استقلال آنها، برخلاف گذشته، اثرات فراوان می نهاد. پس از سال ۱۳۴۲، بویژه در سالهای تبعید، نظریه ولایت فقیه امام ارائه می شود و امام به مخالفت علنی می پردازد. این مسأله نه تنها به جهت ناامیدی امام از اصلاح شاه صورت گرفت، بلکه امام احساس خطر جدی تری نمود که از ناحیه ضرر به اسلام بود. امام احساس نمود که شاه و حامیان خارجی او به مخالفت با اسلام برخاسته اند. از نظر امام خمینی مخالفت با اسلام به معنای تباهی کشور در همه زمینه ها است و در این شرایط اصلاح فایده ای ندارد زیرا اصلاح در چارچوب اسلام صورت نمی گیرد (کیخا، ۱۳۸۶).

کار بزرگ امام خمینی نشان دادن جامعیت اسلام در عرصه های سیاسی و غیرسیاسی بود و اینکه این امور چنان در هم تنیده اند که تفکیک آنها از یکدیگر ناممکن است. این مسأله سبب می شود تا امام بیش از تأکید بر تقدم اخلاق بر سیاست، از تعامل این دو با یکدیگر سخن بگوید. امام دامنه شمول فقه را بسیار گسترده می دید بگونه ای که آنرا جایگزین حکمت عملی و دربردارنده اخلاق و سیاست می دانست. تأسیس حکومت اسلامی که مبتنی بر دیدگاههای بدیع فقهی امام بود، عرصه ای جدید را برای امام فراهم نمود تا همزیستی اخلاق و سیاست را در متن حیات اجتماعی و سیاسی جامعه پیاده نماید و برابری اخلاقی در شیوه زندگی را در طبقات مختلف جامعه در معرض دید بگذارد. توصیه امام به مسئولین در مورد انتقادپذیری، ساده زیستی، نفی اخلاق کاخ نشینی و غیره از این قبیل است. بنابراین امام خمینی توانست در هنجارهای موجود در زمینه اخلاق و سیاست تغییر ایجاد نماید و ترکیبی از آن دو ارائه نماید که تا آن زمان ارائه نشده بود. این تغییر مبتنی بر اولویت نقش مردم در تغییرات سیاسی و استفاده از سیاست و ارائه راههای سیاسی در کنار شیوه های اخلاقی در بهبود اوضاع بود (امام خمینی، ۱۳۷۳).

منابع:

۱. عبدالغنی اردبیلی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
۲. حسن اسلامی، امام، اخلاق و سیاست، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
۳. امام خمینی، چهل حدیث.
۴. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۵. امام خمینی، شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۶. امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
۷. امام خمینی، تفسیر سوره حمد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۰.
۸. امام خمینی، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۹. امام خمینی، کشف الاسرار، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۰. صحیفه امام خمینی، ج ۲۱ - ۱.
۱۱. نجف لک زایی، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلام، ۱۳۸۳.
۱۲. شریف لک زایی، «نظریه آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه حضور، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۰.
۱۳. اشرفی، اکبر، از کشف الاسرار تا ولایت فقیه: ثبات در اندیشه سیاسی امام خمینی، مجله نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۲۹، ۱۴۰۲.
۱۴. کیخا، نجمه. رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی، ۱۳۸۶.